

بررسی کودک آزاری با تأکید بر مقابله با کودک آزاری جنسی در حقوق ایران و فقه امامیه

مهدی هلالی^۱

چکیده

کودک آزاری از جمله معضلات اجتماعی می باشد که همیشه دارای آمار سیاه بالایی بوده است. به این معنی که بسیاری از جرائم منجر به کودک آزاری به دلایل مختلفی از جانب بزهکار، جامعه و حتی از جانب بزه دیده کتمان می گردند. یکی از انواع کودک آزاری، کودک آزاری جنسی می باشد، که دارای اثرات بسیار خطرناک تر از سایر انواع کودک آزاری می باشد که این مورد هم در جسم کودک و هم در روان او می تواند آثار نامناسبی به همراه داشته باشد و در صورتی که به روش مناسب با این مسأله مهم برخورد نشود در آینده می تواند زمینه ساز گسترش این پدیده شوم اجتماعی و همچنین تبدیل بزه دیدگان این جرم به عنوان بزه کاران آینده باشد. در زمینه بررسی جرم کودک آزاری جنسی از جمله تعاریف مرتبط و طرز مقابله با آن و مجازات مرتکبین آن منابع حقوقی کشور و همچنین منابع فقهی را به عنوان منبع قانون گذاری در کشور مورد مطالعه قرار می دهیم. بررسی و مطالعه این موارد منجر به ارزیابی تناسب جرم و مجازات در این زمینه و امکان اتخاذ تدابیر کاهش این جرم و مجازات مرتکبین آنها می شود و می توان پاسخ این پرسش را یافت که آیا این اقدامات در زمینه فقهی و حقوقی می تواند با جرم مذکور و قبضش برخورد مناسبی داشته باشد؟

کلیدواژه ها: کودک آزاری جنسی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، فقه امامیه، پورنوگرافی کودکان، بزه دیدگی اطفال.

طرح مسأله

پدیده کودک‌آزاری جنبه جهانی دارد و همه جوامع به شکلی از این پدیده مجرمانه و مغایر با کرامت انسانی اطفال رنج می‌برند. (مهرا، ۱۳۸۸: ۲۵۲) امروزه توجه به کودک به عنوان یک سرمایه اجتماعی، بیش از گذشته اهمیت یافته است و سایر نهادهای محلی و سازمان‌های بین‌المللی نیز مسأله حمایت از کودک و در نظر داشتن کودکان و احترام به قوانین مربوطه را یکی از وظایف خود و یا وظیفه اصلی خود می‌دانند. از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها می‌توان به سازمان ملل به عنوان یکی از اصلی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل اشاره نمود. اما اولین اقدام در زمینه حقوق کودک در سطح بین‌المللی را می‌توان اعلامیه پنج ماده‌ای حقوق کودک جامعه ملل در سال ۱۹۲۴ دانست. (گیلمور^۱، ۱۹۸۸: ۱۱۰) در سال ۱۹۴۸ نیز سازمان ملل اعلامیه جهانی حقوق بشر را منتشر نمود که در آن به صورت محدودی به حقوق کودک اشاره شده است.^۲ همچنین ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به مسأله حمایت از کودکان و حقوق کودک اشاره داشته است.^۳ پس از این اقدامات پراکنده در نوامبر سال ۱۹۵۹ سازمان ملل طی قطعنامه‌ای، اعلامیه جهانی حقوق کودک که پیش‌نویس آن را کمیسیون حقوق بشر آماده نموده بود با اتفاق آراء به تصویب رساند. و همین قطعنامه سبب شد در نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی سازمان ملل کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک را تصویب نماید که شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده بود.^۴ تا اولین اقدام در زمینه حقوق کودک به صورت مستقل صورت بگیرد. این کنوانسیون در حقوق ایران نیز در سال ۱۳۷۲ در مجلس مطرح گردید و طی قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک در ماده واحده آن الحاق ایران به این کنوانسیون پذیرفته شده بود،

1- Gilmour.A.

۲- بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «مادران و کودکان حق دارند از مراقبت‌ها و کمک‌های ویژه برخوردار شوند. همه کودکان خواه ثمره ازدواج باشند و خواه ثمره روابط خارج از ازدواج باشند، باید از حمایت‌های اجتماعی یکسان بهره‌مند شوند.»

۳- ماده ۲۴: ۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، زبان، مذهب، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، مکتب یا نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد. ۲- هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود. ۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی دارد.

۴- این کنوانسیون با نام میثاق حقوق کودک نیز شناخته می‌شود.

مشروط بر آن‌که در هر مورد و در هر زمان مفاد آن با قوانین کشور و یا موازین اسلام مخالف باشد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نمی‌باشد. اما در حقوق ایران که برگرفته از فقه امامیه می‌باشد توجه به حقوق کودک دارای پیشینه‌ای گسترده می‌باشد. از جمله آن می‌توان به بخش دوم قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴ اشاره نمود که ۳۶ ماده از آن مربوط به اطفال و حقوق آنان می‌باشد. اما اولین اقدام در زمینه قانون‌گذاری اطفال به‌خصوص در زمینه کیفری و جرائم اطفال را می‌توان تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ بیان نمود. این قانون در جهت حمایت از کرامت انسانی طفل مواردی را وضع کرده است؛ اما اجرای آن مشکلاتی را نسبت به قانون مجازات اسلامی ایجاد می‌کند. (ابرنندآبادی، اردبیلی، ایزدپناه، ۱۳۸۳: صص ۴۶-۴۴) این قانون که در ۹ ماده تصویب گردید تنها به بحث کودک‌آزاری به طور کلی پرداخته و به بحث انواع کودک‌آزاری و لزوم و سازوکار مقابله با انواع کودک‌آزاری توجهی نداشته است. با توجه به این کاستی‌ها در سال ۱۳۹۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با ۵۱ ماده تصویب شد که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ را ملغی اعلام نمود. البته در سایر قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی مواد خاصی به بزه‌دیدگی اطفال اختصاص داده شده است؛ که می‌توان آن را نگرشی جدید در مورد بزه‌دیدگی اطفال دانست، قانون آیین دادرسی کیفری کشور، دادرسی افتراقی در مورد اطفال بزه‌کار را پذیرفته است و برای آن دادگاه‌های ویژه و آیین خاص پیش‌بینی نموده است؛ ولی در مورد جرائم کودک‌آزاری که بزه‌دیده خاص آن‌ها کودکان می‌باشند تابع قانون آیین دادرسی کیفری و تشریفات عام مربوط به دادرسی می‌باشد. تنها موادی همچون مواد ۶۶-۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری جهت حمایت از طفل بزه‌دیده بیان داشته شده‌اند. و همچنین در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی به موضوع کودک‌آزاری جنسی در ملازمه با سایر مواد این قانون به خصوص در باب حدود پرداخته شده است. در مراجعه به متون فقهی نیز آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد آن است که در اغلب متون فقهی به بحث کودک‌آزاری به صورت مستقل پرداخته نشده است؛ اما در ابواب مختلف فقه از جمله حدود و تعزیرات و قصاص به مقابله با بزه‌دیدگی کودکان به خصوص کودک‌آزاری جنسی پرداخته شده است. که نیاز به بررسی بیشتر تناسب جرم و مجازات می‌باشد. زیرا کودکان بزه‌دیده امروز افراد بزه‌کار فردا می‌باشند؛ علاوه بر آن طبق تحقیقات انجام شده، کودک‌آزاری جنسی می‌تواند در آینده آثاری همچون افسردگی، اضطراب و پرخاشگری که منشأ روابط اجتماعی ناسالم و فساد است را برای

کودک و جامعه در پی داشته‌باشد. (اینبدر و فردریش^۱، ۱۹۸۹: ج ۹، ص ۴۶۶) علاوه بر آن پیدا کردن موردی کودک‌آزاری جنسی امری دشوار بوده و در بسیاری از اوقات هیچ گزارشی از آن ثبت نمی‌شود. (خدایاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶۶) امروزه یکی از بارزترین نوع خشونت علیه کودکان در سراسر جهان، کودک‌آزاری جنسی است که نوعاً بازتابی از علل آسیب‌های اجتماعی است. (پتفت، ۱۳۹۸: ۲) تحقیقات بسیاری در این حوزه انجام شده که نشان می‌دهد تجربه تعرض جنسی در کودکی یا نوجوانی به افزایش خطر بزه‌دیدگی جنسی در بزرگسالی منجر می‌شود و علاوه بر آن سبب شوک روانی شدید خواهد شد. (م. آراتا کاتالینا و لیندا لیندمن، ۱۳۸۹: ۱۷۴)

همچنین در ابواب مختلف فقهی نیز به بحث حقوق اولاد و وظایف والدین در حمایت از اطفال توجه داشته است، که با بررسی آن‌ها مشاهده می‌گردد مواردی که در سال‌های اخیر با عنوان حقوق بشر و حقوق کودک توسط سازمان‌های بین‌المللی تدوین شده است در منابع فقهی به صورت پراکنده بیان شده بودند.

۱- تعریف کودک آزاری

کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و نیاز به شاکی خصوصی ندارد. به این سبب دادستان می‌تواند تقاضای مجازات کودک آزاری اعم از والدین و غیر ایشان را بخواهد. (شمشیری، ۱۳۹۹: ۹) اولین اقدام برای شناخت کودک‌آزاری داشتن تعریف مناسب و قانونی برای این پدیده است. در ماده یک کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به آن ملحق شده است منظور از کودک این گونه بیان شده است. «از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.» که باز هم تغییر قانون از اختیارات کاهش سن ۱۸ سال در مورد کودک به شرایط قانونی سن بلوغ در هر کشور ارجاع داده شده است. اما موردی که از ظاهر این قانون پیداست، این است که تنها فرضی را قابل قبول دانسته است که سن بلوغ طبق قانون کشوری کمتر از ۱۸ سال باشد و سن بلوغ بالاتر از ۱۸ سال را مورد پذیرش قرار نداده است.^۲

1- Einbender, A, J. & Friedrich.W N .

۲- جهت مطالعه بیشتر در مورد تفاوت‌های سن بلوغ در کشورهای مختلف رجوع کنید: قاسم زاده، سید مرتضی، سن بلوغ،

در مجموع در تعریف مفهوم کودک‌آزاری با توجه به تصریح ماده ۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هر چند بین مفهوم طفل و نوجوان تفاوت قائل شده است اما هر دو گروه را مشمول حمایت‌های خاص قانون مربوط دانسته است. و همچنین طبق ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، می‌توان کودک را هر فرد زیر ۱۸ سال تمام شمسی دانست.

۱-۱- آزار

قسمت دوم واژه کودک‌آزاری «آزار» می‌باشد. زمانی که واژه‌ای وارد ادبیات حقوقی می‌شود در ابتدا باید تعریف قانونی برای آن ارائه نمود، علی‌رغم این‌که واژه آزار به کرات در قوانین کشور از جمله قانون مجازات اسلامی استفاده شده است و حتی در برخی مواد از عوامل مشدده جرم نیز محسوب می‌شود؛^۱ لیکن با جستجو در قوانین کشور تعریفی از این واژه به دست نمی‌آید.

۱-۲- کودک‌آزاری

حال پس از بیان تعریفی جداگانه از هر کدام از واژگان «کودک» و «آزار» این سوال پیش می‌آید که مناسب‌ترین تعریف برای کودک‌آزاری چه می‌باشد؟ اگر به دنبال تعریف قانونی از کودک‌آزاری باشیم در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان کودک‌آزاری به صورت مستقل تعریف نشده است اما با توجه به ماده اول این قانون در تعریف اصطلاحات قانون و همچنین در فصل سوم آن با عنوان جرائم و مجازات‌ها به مصادیقی از کودک‌آزاری همچون بی‌توجهی و سهل‌انگاری، سوء رفتار، بهره‌کشی اقتصادی، معامله کودکان و فحشا در مورد کودکان و همچنین قراردادن طفل یا نوجوان در معرض خطر شدید و قریب الوقوع اشاره شده است و هرکدام از این موارد در قانون به صورت مستقل تعریف شده اند.

برخی با اتخاذ یک تعریف موسع معتقدند هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد به صورتی که غیرتصادفی نباشد کودک‌آزاری تلقی می‌شود. (مدنی قهخرخی، ۱۳۸۴: ۲۰)

فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۸۱. مهرا، نسرین، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.

۱- به طور مثال بند «ب» ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و مواد ۵۸۷ و ۶۵۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی.

به طور مثال برخی نویسندگان لزوم ذکر مواردی همچون عدم توجه به نیازهای اساسی کودک، بی توجهی به خواسته‌های او و آزار جنسی و عاطفی را در تعریف کودک‌آزاری لازم می‌دانند. (آبروشن، ۱۳۸۶: ۱۳)

در تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱ در مورد کودک‌آزاری آمده است: «هرگونه بدرفتاری فیزیکی و یا عاطفی، سوء استفاده جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استثمار تجاری یا سایر انواع استثمار، که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقاء، رشد یا کرامت کودک در زمینه روابط یا مسئولیت، اعتماد یا قدرت شود.»^۲

۲- انواع کودک‌آزاری

با توجه به تعاریف ذکر شده کودک‌آزاری می‌تواند با توجه نوع آسیب وارده به کودک انواع مختلفی داشته باشد که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- کودک‌آزاری جسمی

این نوع از کودک‌آزاری را می‌توان یکی از شایع‌ترین انواع کودک‌آزاری دانست. که البته می‌توان گفت یکی از دلایلی که این نوع از کودک‌آزادی نسبت به سایر موارد دارای آمار بیشتری می‌باشد. این است که این نوع از کودک‌آزاری نسبت به سایر موارد قابل مشاهده‌تر بوده است. همچنین برای کودک، قابل احساس و دردآور می‌باشد. و توسط سایر سرپرستان طفل و همچنین افرادی همچون معلم و هم‌کلاسی قابل مشاهده و گزارش می‌باشد. (باقری یزدی، ۱۳۷۹: ۵۹) طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، کودک‌آزاری جسمی عبارت است از: «هر گونه تعاملی که منجر به آسیب واقعی بالفعل یا بالقوه گردد و تا حد معقولی در کنترل والدین یا شخص سرپرست قدرتمند و یا مورد اعتماد کودک باشد. کودک‌آزاری ممکن است یکبار یا به دفعات رخ دهد.»^۳

هیچ آمار دقیقی از بروز کودک‌آزاری در دست نمی‌باشد. اما آمارهای فراوان وقوع کودک

1- World Health Organization.

2- W.H.O Report on violence and health: chapter3 (Child abuse and neglect by parents and ither caregivers), 2002,p60.

3- W.H.O Report on violence and health: chapter3 (Child abuse and neglect by parents and ither caregivers), p50.

آزاری در سالیان گذشته نشان دهنده افزایش بی سابقه آن است به هر حال آنچه مسلم است آن است که میزان وقوع کودک‌آزاری جسمی بسیار بالاست. (واکر و کافمن^۱، ۱۹۸۸: ۱۱۰) البته مواردی همچون تنبیه در حدود قانونی و شرعی از گستره آزار جسمانی کودک خارج می‌باشد.^۲

۲-۲- کودک‌آزاری عاطفی

هر گونه طرد کردن، انتقاد، تحقیر، محروم کردن، حبس کردن و مواردی از این قبیل که دارای جلوه خارجی و آثار باقیمانده فیزیکی نمی‌باشند. (آقاییگلوئی، رسول زاده طباطبائی، موسوی چلک، ۱۳۸۰: ۱۰۸) البته برخی انواع کودک‌آزاری ممکن است در طول مدت باز هم نشانه‌هایی آشکار شود؛ همچون غفلت و بی توجهی نسبت به نیازهای اساسی کودک همچون احتیاجات غذایی، پوششی و بهداشتی مناسب کودک که می‌تواند با علائمی همچون سوء تغذیه و همچنین بیماری‌های مختلف همراه باشد. (جلیلی، ۱۳۷۴: ۱۲)

البته انواع دیگری از کودک‌آزاری از جمله «کودک‌آزاری اقتصادی»، «کودک‌آزاری هیجانی» و «کودک‌آزاری ناشی از غفلت و تسامح» در این تقسیم بندی ممکن است جای داشته باشند که به سبب رعایت اختصار تنها به ذکر آن اکتفا می‌نماییم.

۲-۳- کودک‌آزاری جنسی

نامرئی‌ترین نوع از آزار، کودک‌آزاری جنسی می‌باشد که به سبب طبیعت این رفتار غیراخلاقی کمتر آشکار می‌شود و دارای نرخ سیاه بزهکاری بالایی می‌باشد.

بنابر نظر اغلب بزه‌دیدگان شناسان از میان انواع مختلف کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی نگران‌کننده‌ترین نوع آزار برای کودک می‌باشد. علاوه بر داشتن آسیب جسمانی در برخی موارد دارای تاثیرات سوء بر روحیات و عواطف طفل می‌باشد. همچنین آمار ارائه شده در این زمینه نیز

1- Walker,c,e,Bonner,b,l & Kaufman.

۲- به طور مثال ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی اشاره داشته که ابوبن حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. همچنین بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار به منظور تأدیب و حفاظت آن‌ها را در صورتی که در حد متعارف و شرعی باشد را غیرقابل مجازات دانسته است.

بسیار نگران کننده است. برای نمونه آماری که کتابخانه انجمن پزشکی آمریکا ارائه کرده است حاکی از مرگ سالانه ۱۵۰۰ کودک در این کشور بر اثر تجاوزات جنسی است. این آمار در مورد جراحات ناشی از تجاوز جنسی ۱۴۰ هزار مورد بوده است. به علاوه آمار کل مربوط به تجاوز جنسی در سال دو میلیون مورد برآورد شده است. به علاوه از هر سه یا چهار دختر و همچنین از هر ۷ یا ۸ پسر قبل از ۱۸ سالگی یک نفر مورد تهاجم جنسی قرار می‌گیرند. (صابری، محمدی، ۱۳۸۴: ۲۴۴)

آنچه که در این زمینه مهم و راهگشا می‌باشد، اولاً، شناسایی و اولویت بندی نیازهای اساسی بزه‌دیدگان است و پس از آن ارائه راهکار و اتخاذ سیاست‌های کاربردی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان است. یکی از این بزه‌دیدگی‌ها، بزه‌دیدگی جنسی به ویژه در دوران کودکی است. (جعفری و مولایی، ۱۳۹۷: ۲۵۸) کودکان به طور مرتب تهدید می‌شوند که درباره ارتباطات جنسی خود با کسی گفت‌وگو نکنند و کودک قربانی و خانواده وی نیز در موارد عدیده‌ای از افشای این امر اجتناب می‌کنند. زیرا اغلب دیده شده است که پرده برداری از سوء استفاده جنسی منجر به آزار کودک قربانی و خانواده وی را - به سبب عوامل مختلفی چون آبروریزی خانوادگی، انگشت‌نما شدن در جامعه، اذیت و آزار اطرافیان و اقدامات متعاقب سوء استفاده‌گر - تشدید کرده است. (پتفت، همان، ۵)

همچنین این کودک‌آزاری منجر به بروز علائمی همچون افسردگی، گرایش به خودکشی، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد، پرهیز از برقراری ارتباط جنسی بعد از ازدواج در روابط آنها با دیگران دیده می‌شود. (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴: ۹) لذا بالا بردن سطح آگاهی افراد در معرض خطر به خصوص کودکانی که در شرایط نامناسب اجتماعی زندگی می‌کنند، تشخیص زودرس کودک‌آزاری، مداخله و درمان و جلوگیری از بروز عوارض هولناک کودک‌آزاری ضروری به نظر می‌رسد. (شهیدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۰)

عواملی همچون آبرو و شرف خانوادگی، عفت و شرم، تبعیضات ناروا یا جنسیتی، هزینه‌های گزاف افشاگری، تفاوت فرهنگی و نژادی و همچنین از دست دادن حریم خصوصی و همچنین از دست دادن حمایت‌های خانوادگی از عوامل دیگر کتمان این موضوع از جانب بزه‌دیده و یا خانواده او می‌باشد.

در تعریف کودک‌آزاری آمده است که آزار جنسی عبارت است از: به کارگیری، استفاده و واداشتن کودک به درگیر شدن در هر گونه رفتار جنسی یا نمایش رفتارهای جنسی، تجاوز، تماس جنسی و روسپیگری و هرگونه بهره‌کشی و بهره‌برداری جنسی از کودک جهت کسب لذایذ و ارضای میل جنسی و کسب درآمد. (آبروشن، همان، ۹۰)

برخی دیگر نیز آزار جنسی را عبارت از درگیر کردن کودک در فعالیت‌هایی می‌دانند که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال گردد. و بر این اساس مرکز ملی کودک‌آزاری، سوء استفاده جنسی را تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی می‌دانند که کودک را به منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است. تعریف دیگری نیز از آزار جنسی کودکان عبارت است از: سوء استفاده از کودک برای کسب لذت جنسی یک فرد بزرگسال. (مارزک و کامپ، ۱۹۸۱: ۵۵)^۱

تعاریفی که در بالا به عنوان نمونه اشاره شد تعریف جامعی از کودک‌آزاری جنسی با توجه به نیاز امروز جامعه ارائه نکرده است. کودک‌آزاری جنسی را این‌گونه می‌توان تعریف نمود: «کودک‌آزاری جنسی هرگونه برقراری ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم جنسی با کودکان و همچنین بیان مسائل جنسی غیرمناسب برای کودکان می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان آن را درگیر ساختن کودکان با فعالیت‌های جنسی به طور مستقیم یا غیرمستقیم دانست.» با در نظر داشتن این تعریف در مورد کودک‌آزاری جنسی علاوه بر آزارهای مستقیم جنسی که از طریق ارتباط فیزیکی حاصل می‌شود، می‌توان به «پورنوگرافی کودکان»^۲ که نوعی آزار جنسی غیرمستقیم کودکان محسوب می‌شود نیز در زمره آزار جنسی کودکان اشاره کرد.

دیگر نوع آزار کودکان که می‌توان آن را ذیل کودک‌آزاری جنسی دانست بیان مسائل جنسی غیرمناسب و آزار جنسی کلامی کودکان است. از جمله این موارد می‌توان به نمایش تصاویر مستهجن برای کودکان، بیان نکات جنسی غیر مناسب برای سن کودکان و همچنین توهین جنسی به کودکان اشاره کرد. نکته دیگر قابل توجه در مورد تعریف کودک‌آزاری جنسی این می‌باشد که این گونه آزارها لزوماً همراه با ناراحتی و عدم رضایت خارجی کودک همراه نمی‌باشد و در برخی

1- Marzek. Pb & kampe.ch.

۲- Children Pornography عبارت است از تصویربرداری و استفاده از تصاویر برهنه کودکان، که این مورد حتی در کشورهایی که پورنوگرافی بزرگسالان مجاز محسوب می‌گردد، دارای ممنوعیت و مجازات تعیین شده می‌باشد.

موارد ممکن است که کودک به این مقوله ابراز علاقه و میل داشته باشد که البته این مورد نشان از رضایت درونی کودک و مصلحت او نمی‌باشد.

۳- بررسی حقوقی و فقهی کودک‌آزاری جنسی

حال با توجه به تعریف گفته شده به بررسی مواد قانونی و فقهی قابل انطباق با این تعریف و بررسی نحوه برخورد با این پدیده در حقوق ایران و متون فقهی می‌پردازیم.

۳-۱- کودک‌آزاری جنسی از طریق ارتباط مستقیم جنسی (تماسی)

در قانون و همچنین در منابع فقهی اغلب جرائم جنسی در باب حدود ذکر شده‌اند و برخی دیگر از جرائم که در باب حدود ذکر نشده‌اند در باب تعزیرات از آن‌ها یاد شده است.^۱ که معمولاً جرائم جنسی که بزه‌دیده آن‌ها کودکان می‌باشند نیز ذیل باب حدود در کتب فقهی بحث شده‌اند. این نکته در مورد حدود قابل ذکر است که شارع مقدس اسلام در جرم‌انگاری جرایم جنسی مستوجب حد و تعیین کیفر برای آن و نیز طراحی نظام حاکم بر ادله اثبات این دسته از جرایم و سقوط مجازات‌های آن، با پرهیز از یکسونگری و با نگرشی جامع، اهداف گوناگونی را در نظر داشته است. از یک سو عنصر «رضایت» را در تحقق جرایم جنسی دخالت نداده است، به این معنا که رضایت طرفین رابطه جنسی در از بین بردن وصف مجرمانه عمل تأثیری ندارد؛ با این حال در اثبات سایر جرائم حدی چندان سخت‌گیری به خرج داده که اثبات آن (جز در مواردی که جرم کاملاً مشهود و در حضور جمعی صورت گرفته باشد) عادتاً امکان‌پذیر نیست. از این رویکرد به ضمیمه تشویق بزهکاران به توبه و حتی عدم تشویق دیگران به گواهی دادن بر وقوع جرم روشن می‌شود که گرچه جرایم جنسی مستوجب حد در هر صورت عملی ناپسند، گناه و غیراخلاقی است، اما مجازات آن مربوط به مواردی است که بزهکار حاضر شده باشد حریم عفت عمومی را آشکارا نقض نماید. ضمن این که سخت‌گیری در اثبات این جرایم، دسترسی به عدالت کیفری را

۱- در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ با عنوان تعزیرات، رویکرد قانونگذار، آگاهانه یا ناآگاهانه از دیدگاه بزه-دیده‌شناسی علمی تأثیر پذیرفته است. و به اطفال به عنوان افرادی آسیب‌پذیر می‌نگرد که بیش از بزرگسالان در معرض خطر «بزه‌دیدگی» قرار دارند. ولی نباید فراموش کرد تا دستیابی به یک نظام پویا و منسجم حمایت از اطفال راه درازی باقی است. (رایجیان اصلی، مهرداد، موقعیت «اطفال بزهکار» بزه‌دیده» در حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۸۱، صفحه ۲۹).

امکان‌پذیرتر می‌سازد. (نوبهار، ۱۳۷۹: ش ۲۳، ص ۱۲) البته وجود این قیود درخصوص کودک‌آزاری مستوجب حد با توجه به مخدوش بودن رضایت و لزوم مقابله و مجازات این‌گونه اعمال، ممکن است امر مقابله با کودک‌آزاری جنسی را با موانعی روبه‌رو سازد.

در قانون مجازات اسلامی نیز پس از آنکه در ماده ۱۴ آن، حد به عنوان یکی از چهار مجازات‌های مقرر قانونی ذکر شده‌اند در ماده پانزدهم این‌گونه تعریف شده‌اند: حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. حال به بررسی عناوین قابل انطباق در حقوق ایران و فقه می‌پردازیم.

۳-۱-۱- زنا با کودکان

اولین جرمی که در کتب فقهی و همچنین در قانون ذکر شده است زنا می‌باشد. در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی، زنا این‌گونه تعریف شده است. «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه به نیز نباشد».

نکته‌ای که قبل از ورود به بحث می‌توان به آن اشاره کرد این است که علاوه بر این‌که در صورتی که در رابطه جنسی همچون زنا، یک طرف دختر نابالغ باشد و طرف دیگر شخص مذکر بالغ باشد، این رابطه مشمول عنوان کودک‌آزاری می‌گردد. در صورتی که شخص مذکر نابالغ بوده و شخص مونث بالغ باشد نیز به دلیل ارتکاب رفتار جنسی نامناسب با سن کودک، شخص بالغ مونث را می‌توان مرتکب عنوان کودک‌آزاری دانست. همان‌گونه که در فقه نیز عنوان زنا بر این فعل بار می‌شود.

در تبصره ۲ ماده ۲۲۱ فرض نابالغ بودن یکی از طرفین زنا را مطرح نموده است. که در این صورت زنا محقق شده و شخص بالغ به مجازات زنا محکوم می‌گردد. لیکن نابالغ مجازات نمی‌گردد، ولی برای شخص نابالغ اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در قانون را پیش‌بینی نموده است. ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز بیان داشته است که در صورتی کودک‌آزاری جنسی مشمول عنوان حدی باشد، تنها مجازات حدی بر مرتکب قابل اجراست.

یکی از جلوه‌های حمایت از کودکان بزه‌دیده در روابط جنسی را می‌توان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دانست که در این ماده در مورد جرائم حدی افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال بیان شده

است. یکی از نوآوری‌های این ماده توجه به رشد کیفری در جرائم مستوجب حد یا قصاص و تئوری مسئولیت نقصان یافته در این ماده است. به موجب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد و وفق این ماده افراد بالغ زیر ۱۸ سال دارای مسئولیت کیفری کامل نبوده بلکه بعد از سن بلوغ تا ۱۸ سالگی دارای مسئولیت کیفری ناقص بوده به طوری که اگر ثابت شود فرد بالغ زیر ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نمی‌کند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد. (شمس ناتریف ۱۳۹۶: ۲۳۳) این ماده این امکان را به مرجع رسیدگی می‌دهد که افراد بالغ زیر ۱۸ سال را که ممکن است به عنوان متهم در جرائم جنسی شناخته شوند از عنوان مجرم رهایی داده تا عنوان بزه‌دیده بر او اطلاق شود. با توجه به ماده مذکور و همچنین تبصره ۲ ماده ۲۲۱ همان‌گونه که افراد بالغ در جرم زنا به مجازات مقرر محکوم می‌گردند در مورد زنا با افراد نابالغ خواه پسر و خواه دختر نابالغ به مجازات کامل قابل اجرا در مورد زنا محکوم می‌گردند.

نکته دیگر در مورد بزه‌دیدگی اطفال در جرائم جنسی به تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مرتبط می‌باشد که زنا از طریق اغفال و فریب‌دادن دختر نابالغ را زنا با عنف محسوب نموده و مشمول حد اعدام، که مجازات مشدد برای زنا می‌باشد بیان نموده است.

البته این سوال پیش می‌آید که آیا اراده یا تصمیم صوابی برای دختر نابالغ یعنی دختر زیر هشت سال و نه ماه شمسی به خصوص در جرمی مانند زنا قابل تصور است که قانون‌گذار قید اغفال و فریب را جهت اجرای حد اعدام برای شخص زانی با دختر نابالغ بیان نموده است؟ و اینکه با توجه به این‌که قانون‌گذار در مورد اطفال کمتر از ۹ سال تمام شمسی در ارتکاب جرائم تعزیری به دلیل فارغ بودن از هرگونه قصد، هیچ تصمیمی اتخاذ نموده است؛ آیا می‌توان دختر نابالغی که سن آن کمتر از ۸ سال و ۹ ماه تمام شمسی است را در مورد رابطه جنسی با مرد بالغ، دارای قصد غیر مخدوش و فریب نخورده دانست؟ به عنوان نمونه قوانین کیفری انگلستان فعالیت جنسی با کودکان را به صورت دقیق تبیین نموده است. یکی از شیوه‌های انجام دادن این تبیین، تعیین سن قانونی برای رضایت جهت فعالیت جنسی است. هدف اصلی از انجام دادن این عمل حمایت از کودک است. اما در این امر انگیزه‌های اخلاقی برای ممنوعیت اعمال خاصی که از نظر

اجتماعی پذیرفتنی نیست نیز وجود دارد. مطابق مواد ۵ و ۶ قانون جرائم جنسی انگلستان مصوب سال ۱۹۵۶^۱، و پس از آن در اصلاحات این قانون مصوب سال ۲۰۰۳، در ماده ۹ قانون مذکور سن رضایت برای رابطه جنسی در حال حاضر ۱۶ سال است. از این رو هر گونه رابطه جنسی با کودک زیر ۱۶ سال صرف‌نظر از رضایت یا عدم رضایت او جرم‌انگاری شده است. و رابطه جنسی با کودک زیر ۱۶ سال جرم است که تعیین مجازات آن نیز دو قسمت می‌باشد. به این نحو که رابطه جنسی با کودک ۱۳ تا ۱۶ سال، تا ۱۴ سال حبس مجازات در پی خواهد داشت و در صورتی که کودک بزه‌دیده زیر ۱۳ سال باشد شخص مرتکب جرم به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. متأسفانه در قانون مجازات اسلامی چنین برخوردی با پدیده کودک‌آزاری جنسی نشده است و برای ایجاد چنین تأسیسی در مقابله با این پدیده، پیشنهاد می‌شود سنی را به طور مثال سن بلوغ شرعی را سن امکان وجود رضایت جنسی تعیین نمود و لاقلاً رابطه جنسی در کمتر از این سن را محکوم به علف یا اماره علف قلمداد نمود.

البته می‌توان این موضوع را با تبصره ۱ ماده ۲۱۸ قانون مجازات که در بخش مواد عمومی حدود آمده است توجیه نمود و دادگاه را موظف به بررسی و تحقیق احراز علف در این جرم دانست. اما باز عدم بیان شرایط سنی در مورد احتساب سن رضایت در عمل جنسی و بیان جزئیات علف با مشکل مواجه می‌باشد. نکته دیگر عدم ذکر پسر نابالغ در مورد تشدید مجازات در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ می‌باشد.

در فقه نیز در مورد جرم زنا در صورتی که یکی از اطراف آن نابالغ باشد حد را بر شخص بالغ لازم دانسته‌اند. در این خصوص در شرح لمعه این‌گونه آمده است: «اگر پسر بچه غیربالغ زن را وطئ کند، [و زن با رضایت به این عمل تن دهد] بر زن حد جاری می‌شود.» (شهید ثانی، ۱۳۹۶: ج ۱۳، ص ۲۰)

در کتاب مبانی تکمله المنهاج مسأله زناي پسر نابالغ با زن بالغ در ذیل بحث زناي محصنه بیان شده است که مجازات حد کامل (صد ضربه شلاق) را بر زن مفروض دانسته است؛ لیکن حد زناي محصنه (رجم) بر زن بار نمی‌شود. (موسوی خوئی، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۲۱)

در مورد زنا مرد بالغ با دختر نابالغ نیز در کتاب شرح لمعه، شهید ثانی بیان داشته است که: زنا‌ی فاعل مشروط به بالغ بودن شخص و طعی شونده نیست و در صورتی که فاعل بالغ با دختر بچه مرتکب زنا شود، حد زنا (صد ضربه شلاق) بر او اجرا می‌شود. لیکن استثناء آن در مورد مرد محصن است که مجازات رجم در مورد او اجرا نشده و حد ۱۰۰ ضربه شلاق بر او اجرا می‌شود. (شهید ثانی، همان، ۲۱) به هر حال در این زمینه سخنی از فریب نیامده است.

در قانون مجازات اسلامی نیز هر چند زنا با محارم و زنا‌ی محصنه دارای مجازات اعدام می‌باشد ولی با توجه به ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی تنها در صورتی که زانی نابالغ و زانیه بالغ باشد حد صد ضربه شلاق بر زانیه اجرا می‌شود، و در مورد موارد گفته شده طبق قانون در صورتی که فاعل بالغ باشد و مفعول نابالغ و مضمول تعریف هر یک از موارد زنا‌ی با محارم یا زنا‌ی محصنه شود همان مجازات مقرر برای زنا‌ی محصنه و یا با محارم اجرا می‌گردد.

مرحوم خوئی نیز در کتاب مبانی تکمله المنهاج در مورد فرضی که فاعل غیر بالغ باشد و زانیه بالغ و محصن باشد با استناد به روایتی از ابو بصیر^۱ تنها حد تازیانه را بر زن زانیه محصن قابل اجرا دانسته است. و در صورتی که مرد فاعل بالغ محصن باشد، حد رجم را بر او بار دانسته است و دلیل این حکم را عمومیت حکم و اطلاق روایاتی دانسته است که در مورد زناکار محصن به طور مطلق به ثبوت سنگسار دلالت دارد و دلیلی وجود ندارد که این روایت (روایت ابوبصیر) صلاحیت داشته باشد اطلاق این روایات را مقید سازد. (خوئی، همان، ۲۸۴) البته محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام نظر مخالف داشته و رجم را در مورد زنا‌ی مرد محصن با دختر نابالغ غیر قابل اجرا دانسته است. (حلی، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۲۱)

در مجموع می‌توان گفت در مورد جرم زنا در صورتی که یکی از طرفین آن نابالغ باشد؛ شخص بالغ مذکر همان مجازات زنا با فرد بالغ را متحمل می‌گردد. و این رویکرد فقه را می‌توان عملی در راستای جلوگیری از بزه دیدگی جنسی دختران نابالغ دانست. اما در مورد زنا زن بالغ محصن با پسر نابالغ حکم آن متفاوت است.

۱- صحیح ابو بصیر از امام صادق علیه السلام که می‌گوید درباره پسر بچه ده ساله‌ای که هنوز خوب و بد را نمی‌فهمد و با زنی زنا کرده ایشان فرمودند: «پسر بچه کمتر از یک صد تازیانه زده می‌شود و زن حد کامل می‌خورد.» گفته شد اگر آن زن محصنه باشد چه؟ فرمود: «سنگسار نمی‌شود؛ زیرا کسی که با او زنا کرده چیزی نمی‌فهمد که اگر می‌فهمید سنگسار می‌شد.» (وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۸۱)

۳-۱-۲- لواط با کودکان

از دیگر آزارهای جنسی که می‌تواند به کودک پسر وارد آید لواط می‌باشد؛ که طبق تعریف ماده ۲۳۳ عبارت است از: «دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است.» این جرم حدی در مورد کودکان پسر قابل تصور است که متأسفانه در جامعه نیز در حال گسترش می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی ذیل فصل دوم بخش دوم کتاب حدود که مربوط به لواط، تفخیز و مساحقه می‌باشد؛ تفکیکی بین صورت‌گرفتن این عمل توسط افراد نابالغ و یا بالغ انجام نشده است. اما تنها چیزی که به صورت بدیهی ثابت است عدم مجازات فرد نابالغ است. همچنین قانون‌گذار در مورد فریب پسر نابالغ توسط فرد بالغ برای عمل لواط حکمی بیان نکرده است. در حالی که تبصره ۲ ماده ۲۲۴ تنها فریب دادن دختر نابالغ را آن هم در جرم زنا، در حکم عنف دانسته است. و با توجه به اینکه قانون‌گذار مجازات لواط را در حالت عنف و غیرعنف متفاوت دانسته است؛ تشخیص آن می‌تواند در تعیین مجازات تفاوت زیادی داشته باشد. به طور مثال در فرضی که شخص بالغ با فریب، مرتکب لواط با پسر نابالغ می‌گردد، آیا می‌توان این عمل را در حکم عنف دانست؟ برای پیدا کردن پاسخ این سوال و همچنین جهت تبیین بیشتر تبصره ۲ ماده ۲۴۴ در مورد فریب، لازم است به معنای فریب در حقوق دست یابیم.

در قانون مدنی فریب در ذیل عنوان تدلیس آمده است. لیکن در آن‌جا نیز تعریفی از آن نشده است. اما در یکی از تعاریف آن آمده است که: «فریب دروغی است که وصفی موهوم را به طور قاطع به چیزی نسبت دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۳۳-۳۳۲) لیکن در حقوق کیفری صحبتی از تعریف فریب نشده است، در قانون مجازات اسلامی سابق از دو واژه فریب و نیرنگ در کنار هم استفاده شده بود با توجه به آن‌که این دو واژه از لحاظ لغوی به یک معنا هستند. در قانون جدید کلمه نیرنگ حذف و تنها به کلمه فریب اکتفا شده است. اما دسیسه بیشتر به معنای فریب و نیرنگ پنهانی همراه با زمینه‌چینی آمده است. (قیاسی و ساریخانی، ۱۳۹۵: ج ۳، صص ۴۸-۴۷)

با جستجو در منابع فقهی در مورد عمل لواط در صورتی که یکی از طرفین لواط نابالغ باشند و طرف دیگر بالغ تنها شخص بالغ به مجازات لواط که قتل اعلام شده است می‌رسد. البته این نکته لازم به ذکر است که به طور مثال در کتاب شرح لمعه مجازات لواط در هر صورت هم برای فاعل هم برای مفعول قتل بیان شده است. (شهید ثانی، همان، ۱۰۷) به همین دلیل بیان این مورد تنها به مجازات شخص بالغ اشاره دارد و تأثیری در کشف عنف یا غیرعنف بودن عمل ندارد.

در کتاب «تکمله المنهاج» که در باب مجازات لواط کننده دیدگاهی نزدیک به دیدگاه قانون‌گذار کشورمان دارد و قائل به اجرای حد صد تازیانه برای فاعل غیرمحصن است، بیان نموده است که در صورتی که مرد بالغ با پسر نابالغ مرتکب لواط شود یا برعکس (یعنی کودک با مردی لواط کند) بر شخص بالغ حد جاری می‌شود؛ اما نه از باب عنف یعنی در صورتی که فاعل غیرمحصن باشد حد ۱۰۰ تازیانه بر او اجرا می‌شود. (موسوی خوئینی همان، ۱۰۷)

در مورد جرم لواط نسبت به کودک نیز مشاهده می‌نماییم که در قانون ابهاماتی فراتر از ابهام در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ که در قسمت قبل به آن پرداختیم وجود دارد، و به طور دقیق و جداگانه به موضوع کودک‌آزاری از طریق لواط اشاره نشده است.

۳-۱-۳- سایر انواع کودک‌آزاری جنسی مستقیم

در پایان این بحث مناسب است اشاره‌ای به دیگر آزارهای جنسی ذکر شده در فقه و قانون اشاره نمود: مواردی همچون تفخیز، مساحقه در فقه و قانون برای آن تفاوتی میان بالغ یا نابالغ بیان نشده است. لیکن می‌توان آن را مشمول قواعدی که در مورد زنا و لواط ذکر شد دانست. در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۶۱۹ در رابطه با مزاحمت جنسی برای اطفال ماده‌ای به صورت عام آمده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» یکی از انواع مزاحمت را می‌توان مزاحمت جنسی در مورد اطفال دانست. البته این ماده متأسفانه تنها در مورد اماکن عمومی و معابر محدود گشته و قابل تسری به موارد دیگری همچون ایجاد اذیت و مزاحمت در اماکن خصوصی وجود ندارد.^۱ این مزاحمت نسبت به اطفال می‌تواند هم به صورت فیزیکی و هم به صورت غیرفیزیکی به صورت کلامی یا دیداری صورت بگیرد.

۱- نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۳/۹۲۵ تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۷ در مورد اماکن عمومی مذکور در ماده ۶۰۹ این چنین بیان داشته است: «منظور از اماکن عمومی مذکور در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و یا تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، محل‌هایی است که معاد برای ورود عموم است و مردم بدون نیاز به کسب اجازه حق ورود دارند، مانند ادارات، اماکن مذهبی، و مراکز خرید و پذیرائی، بنابراین اماکنی مانند پادگان نظامی یا ادارات دولتی خاص نظیر اداره اطلاعات و زندان‌ها که مهیا برای ورود عموم نمی‌باشد، شامل اماکن عمومی نمی‌گردد.»

در فقه اسلامی مشابه چنین بحثی با عنوان بوسیدن پسر بچه با شهوت آمده است. که اگر کسی پسر بچه را با شهوت ببوسد به مقداری که حاکم تشخیص دهد، تعزیر می‌شود. (موسوی خوئی، همان، ۳۴۲ و شهید ثانی، همان، ۱۱۳) مرحوم محقق حلی در کتاب «شرایع الاسلام» این حکم را مختص به غیر محارم می‌داند. (حلی، همان، ۱۶۴) ولی توجیهی برای آن روشن نشده است. زیرا روشن است که در بوسیدن از روی شهوت هیچ تفاوتی بین محارم و نامحرمان نمی‌باشد. بلکه بعید نیست که در محارم قبح شدیدتری داشته باشد. البته ذکر این مورد را می‌توان از باب تمثیل - دانست و با توجه به این که اسلام اهمیت فراوانی برای حفظ نظام مادی و معنوی و اجرای احکام در جامعه دارد و طبیعتاً لازمه این امر این است که حاکم باید هر کسی را که این نظم را نقض کند، مجازات نماید. و با توجه به اینکه علاوه بر این که هرگونه آزار نسبت به اطفال حرام بوده و همچنین موجب نقض نظام مذکور می‌باشد. بنابراین موارد مشمول کودک‌آزاری جنسی را می‌توان ذیل عموماً قاعده «تعزیر» و تمسک به آن مجازات نمود.

۳-۲- کودک‌آزاری جنسی خارج از ارتباط جنسی مستقیم

در برخی موارد ممکن است آزار جنسی که به کودک روانه می‌گردد از طریق تعرض فیزیکی و جسمی نباشد. اما به دلیل داشتن درون مایه جنسی و آثار سوء جنسی که می‌تواند بر کودک داشته باشد، نوعی کودک‌آزاری جنسی محسوب می‌شود.

۳-۲-۱- قذف کودکان

قذف را از لحاظ بیان مسائل جنسی در مورد کودکان و همچنین توهین جنسی به آنان تحت عنوان کودک‌آزاری جنسی بررسی می‌نماییم.

علاوه بر اینکه قذف در معنای جرم مستوجب حد در آیات ۲۵ و ۵۴ سوره نساء آمده است؛ ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی قذف را عبارت از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد، تعریف نموده است. از جمله ویژگی‌های قذف این است که نخست، نسبت زنا و لواط باشد و دوم، لفظ در قذف صراحت داشته باشد. با خالی بودن یکی از این دو قید، عمل مشمول عنوان قذف نمی‌گردد و مشمول حکم «تعزیر» است که به اختیار حاکم گذاشته شده است. (بهمن پوری، عامری نیا، عاشوری، ۱۳۹۸: ش اول، ص ۱۳۰)

حال با توجه به اینکه عمل قذف می‌تواند نسبت به کودک صورت بگیرد و مشمول کودک‌آزاری شود این سوال پیش می‌آید که در مقابله با این مورد از کودک‌آزاری چه تدابیر در قانون و فقه اتخاذ شده است؟ در قانون مجازات اسلامی که حد قذف هشتاد ضربه شلاق بیان شده است؛ در تبصره یک ماده ۲۵۱ آمده است که: در صورتی که قذف شونده نابالغ باشد حد قذف بر قاذف جاری نمی‌گردد و قذف‌کننده تعزیر می‌گردد و تعزیر آن شامل ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ می‌باشد، در این مورد عبارت نابالغ محمول بر بلوغ شرعی بوده است. بنابراین در صورتی که شخص قذف شونده دختر زیر ۹ سال یا پسر زیر ۱۵ سال قمری باشد بر شخص قاذف حد جاری نمی‌گردد، که می‌توان این مورد را کم‌توجهی نسبت به کودکان زیر سن بلوغ شرعی نسبت به بزرگسالان و افراد بالغ دانست. در متون فقهی نیز بلوغ شرط اثبات قذف دانسته‌اند^۱ و عدم اثبات بلوغ در مقذوف را موجب تعزیر دانسته‌اند. (موسوی خوئی، همان، ص ۳۴۲ و شهید ثانی، همان، ص ۱۱۳) که همان دیدگاه قانون‌گذار کشور می‌باشد.

۳-۲-۲- قوادی در مورد کودکان

از دیگر جرایمی که می‌تواند موجب آزار جنسی کودکان گردد هر چند به طور غیرمستقیم «قوادی» می‌باشد. که بنا به تعریف ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط.

در ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی عمل قوادی که منجر شود دو یا چند نابالغ به زنا یا لواط بپردازند را مشمول حد قوادی ندانسته و تنها آن را موجب مجازات تعزیری از ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق دانسته است. با جستجو در فقه نیز در باب قوادی موضوعی در رابطه با قوادی در مورد کودکان بیان نشده است. ولی در تعریف قوادی از واژگان «رجال» و «نساء» که محمول بر افراد بالغ می‌باشد استفاده شده است. و همچنین از عبارت‌های زنا یا لواط استفاده گردیده که بر مصادیقی بار می‌شود که حداقل یکی از طرفین بالغ باشد. مشابه چنین تأسیسی در ماده ۱۰ قانون جرائم

۱- از جمله موارد استناد صحیح فاضل بن یسار از امام صادق(ع): لا حد لمن لا حد علیه. (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۸، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ه.ق، ص ۴۲.) و همچنین صحیح ابوبصیر که می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره مردی پرسیدم که دختر بچه نابالغی را قذف کرده‌بود، ایشان فرمودند: «تا زمانی که بالغ و یا نزدیک به بلوغ نباشد تازیانه زده نمی‌شود.» (همان، صفحه ۱۸۵)

جنسی انگلستان با عنوان تحریک کودکان برای ارتکاب عمل جنسی آمده است و تعریف آن عبارت است از: «اینکه شخص بالای ۱۸ سال شخص زیر ۱۶ سال را تحریک به انجام عمل جنسی نماید، که مجازات چنین جرمی حداکثر ۱۴ سال حبس بیان شده است و در صورتی که کودکان موضوع جرم زیر ۱۳ سال داشته باشند، حداکثر مجازات برای شخص مجرم در نظر گرفته می‌شود.» همچنین در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مذکور مواردی همچون رفتارهای جنسی در برابر کودکان و همچنین نشان دادن فعالیت‌های جنسی به کودکان جرم‌انگاری گردیده و دارای مجازات می‌باشد. که متأسفانه در قانون کشور ما مواردی از این قبیل به طور مجزا بیان نگردیده‌اند.

۳-۲-۳- پورنوگرافی کودکان

از دیگر جرائمی که منجر به بزه‌دیدگی کودکان می‌گردد، پورنوگرافی کودکان یا همان هرزه‌نگاری می‌باشد. پورنوگرافی یا هرزه‌نگاری یکی از جرائم مرتبط با محتوا است، که در تقسیم‌بندی این جرایم در حقوق موضوعه در باب جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی بحث می‌شود. (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ش ۲۳، ص ۹۸)

در حقوق ایران در بند ۵ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان وادار کردن و اجیر نمودن طفل یا نوجوان برای تهیه هرزه‌نگاری را مستوجب مجازات تعزیری درجه ۵ دانسته است؛ در بند ۷ ماده ۱۰ قانون مذکور نیز در موضوع استفاده از اطفال و نوجوانان در تهیه آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل مجازات این عمل را به قانون مرتبط محول نموده و حداقل مجازات آن را میانگین حداقل و حداکثر مجازات عمل مربوطه دانسته است. و همچنین در بند ۸ ماده مذکور نشر و توزیع آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل اطفال و نوجوانان را موجب اجرای یکی از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ بر فرد مرتکب دانسته است.

همچنین «قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند.» مصوب سال ۱۳۸۶ به بحث تولید محتوای مبتذل و مستهجن پرداخته و در ماده ۲ آن را تشریح نموده است. و در راستای حمایت از اطفال در عرصه تولید محتوای مستهجن تبصره ۳ آن این‌گونه بیان می‌دارد: استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود. که از مفاد این تبصره می‌توان قرارگرفتن اطفال در محتوای مبتذل یا مستهجن را شامل تعیین

حداکثر مجازات دانست، و در صورتی که محتوای تهیه شده از طفل مستهجن باشد در مرتبه اول حداکثر مجازات آن سه سال حبس بوده و در صورت تکرار حداکثر مجازات آن پنج سال حبس می‌باشد. البته قانون‌گذار امکان حمل عنوان مفسد فی الارض را در مواردی نیز برای عمل تولید محتوای مستهجن در نظر گرفته است. و چنانچه محتوای تهیه شده از مصادیق محتوای مبتذل باشد حداکثر مجازات آن در مرتبه اول یک سال حبس بوده و در مرتبه دوم مجازات آن حداکثر سه سال حبس بوده و در صورت تکرار مجدد آن حداکثر مجازات آن ۱۰ سال حبس می‌باشد. در قانون حمایت از اطفال انگلستان مصوب سال ۱۹۷۸ میلادی نیز تهیه تصاویر منافی عفت از کودکان جرم‌انگاری گردیده و مشمول ۱۰ سال حبس شده است. با توجه به اینکه هرزه‌نگاری از جرائم مبتنی بر محتوای عمل جنسی یا جرم جنسی ارائه و انتشار می‌دهد. (عالی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۲۱) در متون فقهی به صورت مستقل در مورد این موضوع نظری وجود نداشته و با توجه به حرمت آن می‌توان آن را مشمول تعزیر دانست.

۳-۲-۴- سایر موارد کودک‌آزاری جنسی

در انتهای ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در بند ۹ آن به آزار جنسی از طریق فضای مجازی اشاره نموده است و هرگونه ارتباط به قصد آزار جنسی یا ارتباط جنسی با کودک یا نوجوان از طریق فضای مجازی را موجب یکی از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ دانسته است.

همچنین در ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی هم‌جنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز را از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ دانسته است که در مورد این مجازات می‌توان گفت که در موردی که یکی از طرفین نابالغ باشد تأثیری در مجازات طرف بالغ ندارد.

در پایان ذکر عناوین قابل انطباق بر مفهوم کودک‌آزاری جنسی، مواردی از افعال جنسی جرم‌انگاری شده در مورد کودکان در حقوق انگلستان قابل ذکر می‌باشند. که در جهت مقابله با پدیده کودک‌آزاری در کشورمان می‌تواند مفید واقع شود. مانند جرم «مشارکت در فعالیت جنسی با حضور کودک» که در ماده ۱۱ قانون جرائم جنسی انگلستان به آن اشاره شده است و عبارت است از اینکه شخص بالای ۱۸ سال عالمماً در برابر کودک زیر ۱۶ سال مرتکب رفتار جنسی شود. و همچنین در ماده ۱۲ این قانون عنوان مجرمانه‌ای تحت عنوان «سبب شدن جهت مشاهده رفتار

جنسی به وسیله کودک» آمده است که عبارت است از اینکه شخصی بالای ۱۸ سال سبب شود کودک زیر ۱۶ سال تصویر یک رفتار جنسی و یا رفتار جنسی شخص دیگری را مشاهده نماید. که برای دو جرم ذکر شده حداکثر مجازات ده سال تعیین شده است. جرم انگاری موارد ذکر شده در حقوق کشور ما می‌تواند در حفظ سلامت جنسی کودکان بسیار موثر باشد، البته می‌توان دلیل توجه قانون‌گذار انگلستان به این موارد را ابتلاء جامعه به چنین موارد دانست، البته در جامعه ما نیز جهت مقابله و جلوگیری از گسترش آن و همان‌گونه که ذکر شد برای حفظ سلامت جنسی کودکان و حتی بزرگسالان توجه قانون‌گذار به این موارد می‌تواند دارای آثار مثبتی باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه کودک‌آزاری گستره وسیعی پیدا نموده است؛ که به تبع آن نیازمند توجه بیش از پیش قانون‌گذار به آن می‌باشد. یکی از خطرناک‌ترین انواع کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی می‌باشد. که دارای تأثیر نامناسب بر کودک به عنوان عضو سازنده آینده کشور دارد و برای مقابله با آن در زمینه قانون‌گذاری نیازمند شناخت انواع کودک‌آزاری و داشتن تعریفی مناسب از آن است. در زمینه کودک‌آزاری تعریف مورد اجماع در مورد کودک با توجه به مباحث مذکور به شخص زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود و در راستای تعریف آزار به خصوص آزار جنسی نیاز است که دامنه وسیع و در عین حال معقول از آن ارائه گردد تا جلو هرگونه بزه‌دیدگی جنسی کودکان گرفته شود. و تعریف آن شامل برقراری هرگونه ارتباط جنسی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم با کودکان و همچنین بیان مسائل جنسی غیرمناسب برای کودکان می‌باشد. با بررسی در حقوق کشورمان و متون فقهی اغلب موارد مشمول کودک‌آزاری جنسی بنا بر تعریف ارائه شده ذیل باب حدود و در برخی موارد ذیل عنوان تعزیرات ذکر گردیده‌اند. در جرایم حدی به طور کلی و به پیروی از فقه اسلامی سن بلوغ شرعی را سن مسئولیت و اراده ارتکاب جرم دانسته است. قانون در برخی موارد همچون برقراری زنا از طریق فریب کودک نابالغ، آن را در حکم عنف دانسته و مجازات سنگین اعدام را برای آن در نظر گرفته است. که متأسفانه این مورد محدود به جرم زنا و دختر نابالغ بوده و نیاز است قانون‌گذار گستره فریب در مورد سایر افراد مشمول عنوان کودک و همچنین سایر جرائم جنسی مشخص نماید، و در برابر بزه‌دیدگی جنسی کودکان شدیدتر از بزه‌دیدگی افراد بالغ و یا لاقبل برابر با آنان اقدام نماید. و در مقابل متأسفانه در برخی موارد حمایت کیفری کمتری نسبت به اطفال در قبال بزه‌دیدگی افراد بالغ در نظر گرفته است. که نیاز به بررسی ابعاد بیشتر اراده و اختیار

کودک است؛ در این زمینه از معیارهای مختلفی همچون سن بزه‌دیده به عنوان نشانه‌ای برای رضایت به عمل جنسی و یا نظریات پزشکی قانونی و روان‌پزشکی استفاده نمود. همچنین برخی موارد بزه‌دیدگی جنسی کودکان همچون تولید محتوای جنسی از کودکان و نمایش محتوای جنسی به کودکان وجود دارد که دارای سابقه در فقه نبوده لکن قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوبه سال ۱۳۹۹ اشاراتی به آن داشته است. که می‌توان با بررسی قوانین سایر کشورها و گذر از مراحل قانون‌گذاری در کشور ما با این موارد از کودک‌آزاری جنسی در زمینه تقنینی و قضایی مقابله نمود. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد با توجه به در معرض آزار جنسی بودن کودکان قانون‌گذار علاوه بر در نظر داشتن مجازات اصلی جرم اصلی که تحت عناوین حدود یا تعزیر مطرح می‌باشند که متأسفانه گاهی از مجازات ارتکاب همان جرم در خصوص بزه دیده بزرگسال نیز کمتر می‌باشد؛ قضا و مقامات قضایی در راستای اصل تناسب جرائم و مجازات‌ها، در احکام خود از مجازات تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی استفاده نمایند و همچنین هر چند که به موجب تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی بر اساس ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دادگاه را ملزم به رعایت حداقل در صدور حکم حبس نموده است. لیکن با استناد به شاخصه گستره جرم و نتایج زیانبار آن نمی‌توان سعی در تشدید مجازات و در نتیجه به بازدارندگی بیشتر از طریق اعمال مجازات دست یافت. همچنین با توجه به اینکه یکی از اعمال مؤثر در خصوص پیشگیری از جرم آموزش و توانمندسازی بزه‌دیده احتمالی جرم می‌باشد مانند شناسایی خانواده‌هایی که به دلایلی همچون اعتیاد و یا طلاق بی ثبات بوده، و به دلایل مذکور والدین دچار غفلت و مسامحه در سرپرستی کودکان می‌شوند و احتمال بروز کودک‌آزاری نسبت به آنان بسیار می‌باشد. و پس از شناسایی از طریق مددکاران بهزیستی و سپردن سرپرستی این کودکان در صورت صلاحدید مددکاران مربوطه به طور موقت از طریق دادگاه به سازمان‌هایی همچون بهزیستی معرفی گردد. و همچنین اعطای آموزش‌های لازم به اطفال و نوجوانان با رعایت اقتضائات سنی آن‌ها و در چارچوب فرهنگی و ارزش حاکم بر جامعه می‌توان از بروز این دست جرایم پیشگیری موثرتری داشته باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. آقابیگلویی، عباس و سید کاظم رسول زاده طباطبائی و حسن موسوی چلک (۱۳۸۰)، *کودک‌آزاری*، تهران: آوند دانش.
۲. باقری یزدی، سیدعباس (۱۳۷۹)، *بررسی موارد کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین درمانگاه‌های اورژانس اطفال تهران*، تهران: وزارت بهداشت و درمان.
۳. بای، حسینعلی و بابک پورقهرمانی (۱۳۸۸)، *بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی*، مجله حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان.
۴. بهمن پوری، عبدالله و محمد باقر عامری نیا و ناصر عاشوری (۱۳۹۸)، *تأملی فقهی در امکان معافیت مادر از حد قذف با نگاهی به تعمیم ادله، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، سال بیست و ششم، شماره اول*.
۵. پورقهرمانی گلنجه، بابک (۱۳۸۳)، *نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن*، رواق اندیشه، شماره ۲۸.
۶. جلیلی، بهروز (۱۳۷۴)، *زمان مرگ سوء استفاده از کودک فرا نرسیده است؟*، ششمین همایش بین‌المللی بیماری‌های کودکان.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، ج ۲۸، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۸. حلی، محقق (۱۴۰۸)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۴، قم: موسسه اسماعیلیان.
۹. خدایاری فرد، صبا و علیرضا عابدین و رخساره یکه یزداندوست و مه‌سیما پورشهریاری و بنفشه غرابی (۱۳۸۶)، *مقایسه نتایج آزمون‌های فرافکن ترسیمی در کودکانی که مورد کودک‌آزاری جسمی قرار گرفته‌اند با کودکان عادی*، فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، ش ۹.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، *موقعیت «اطفال بزه‌کار- بزه دیده» در حقوق کیفری ایران*، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۵.
۱۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۹۶)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، تهران: نشر میزان.

۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۶)، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۳، ترجمه علی شیروانی، قم: موسسه انتشارات دارالعلم.
۱۳. صابری، سید مهدی و محمدرضا محمدی (۱۳۸۴)، نگرشی نو به روانپزشکی قانونی، چاپ اول، تهران: نشر طبیب.
۱۴. عالی پور، حسن (۱۳۸۳)، جرم‌های مرتبط با محتوای فناوری اطلاعات، مجموعه مقاله‌های همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات، تهران.
۱۵. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۱)، سن بلوغ، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۵.
۱۶. قیاسی، جلال‌الدین و عادل ساریخانی (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، ج ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی و نه، تهران: نشر میزان.
۱۸. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۴)، کودک آزاری در ایران، تهران: نشر اکنون.
۱۹. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، نجف اشرف: مطبعه الآداب.
۲۱. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، کودک آزاری، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد، شماره ۱، سال اول.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰)، تحریر الوسیله، چاپ نهم، قم، دارالعلم.
۲۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴)، مبانی تکمله المنهاج، ج یک، ترجمه علی مددی، قم: نشر حقوق اسلامی.
۲۴. مهرا، نسرین (۱۳۸۸)، رویکرد جامعه شناختی - حقوقی به پدیده کودک آزاری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۵.
۲۵. مهرا، نسرین (۱۳۸۲)، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸.
۲۶. نجفی ابرندآبادی حسین و محمدعلی اردبیلی و عبدالرضا ایزدپناه (۱۳۸۳)، حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶.

۲۷. نوبهار، رحیم (۱۳۷۹)، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام، نامه مفید، ش ۲۳.
۲۸. شمشیری، تورج (۱۳۹۹)، بررسی حقوقی کودک‌آزاری در حقوق ایران و مستندات بین‌المللی، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، شماره ۱۵.
۲۹. پتفت، آرین (۱۳۹۸)، بررسی تحلیلی اهم عوامل فرهنگی بازدارنده افشای کودک‌آزاری جنسی، مجله حقوق کودک، شماره ۳، پاییز.
۳۰. جعفری، امین و علی مولاییگی (۱۳۹۷)، سیاست جنایی تقنینی قضایی ایران در قبال جرایم جنسی علیه کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی.
۳۱. م. آراتا کاتالینا و لیندا. لیندمن (۱۳۸۹)، «ازدواج، کودک‌آزاری و بزه‌دیدگی جنسی ثانویه» ترجمه نوروز کارگری، نشریه فقه و حقوق شماره ۱۵.
۳۲. اسلامی، رضا و سیده سارا میریان (۱۳۹۴)، «بردگی جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و ایران» ش ۶.
۳۳. شهیدی، سپیده، بشیریه تهمورث، صابری، سید مهدی، عباسی، اصغر (۱۳۹۹)، سنجش تأثیر اعتیاد و وضعیت سرپرستی بر کودک‌آزاری جنسی با تمرکز بر نمونه‌های به دست آمده از مراکز اورژانس اجتماعی تهران، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۱۶، نیمسال دوم، ص ۲۷۰.
34. Einbender, A, J. & Friedrich. W. N, psychological functioning and behavior of sexually abused girls, journal of consultation and clinical psychology, 1389.
35. Gilmour .A, innocent victim: the question of child abuse, London, 1998.
36. Marzek. Pb kampe.ch, Sexually abused children and their families, Oxford pergoman, 1981.
37. W.H.O Report on violence and health: chapter 3 (Child abuse and neglect by parents and other caregivers), 2002.
38. Walker, c, e, Bonner, b, l & Kaufman, k, l, the physically and sexually abused child: evaluation and treatment. Pergamon Books Inc, 1988.

Study of Child Abuse with Emphasis on Combating with Child Sexual Abuse in Iranian Law and Imami Jurisprudence

Mehdi Helali

Abstract

Child abuse is one of the social problems that has always had a high black figure. This means that many crimes leading to child abuse are concealed by the offender, society and even the victim for a variety of reasons. One type of child abuse is child sexual abuse, which has far more dangerous effects than other types of child abuse. This can have adverse effects on both the child's body and mind; And if this important issue is not dealt with properly, in the future, it can pave the way for the spread of this sinister social event, as well as changing the victims of this crime into future criminals. In the field of investigating the crime of child sexual abuse, including related definitions and how to deal with it and punish the perpetrators, we study the legal resources of the country as well as jurisprudential sources as a source of legislation in the country. The study of these cases leads to the assessment of the appropriateness of crime and punishment in this field and the possibility of taking measures to reduce this crime and punish their perpetrators, and the answer can be found to the question of whether these measures are in the field of jurisprudence and law. Can they deal with the crime and its ugliness properly?

Keywords: Child Sexual Abuse, child and youth protection act, imami jurisprudence, pornography, child victimization.